



# دکتر مهدخت معین و استاد محمد روشن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات زبان فارسی

## اشاره

اواخر تیر ماه امسال به یاد مرحوم دکتر محمد معین و به جهت زنده کردن یاد و نام او و آشنایی بیشتر با زوایای زندگی علمی آن استاد بزرگ، در دفتر کتاب‌ماه ادبیات نشستیم با فرزند آن استاد، دکتر مهدخت معین و استاد محمد روشن برگزار شد و استادان گرامی با لطف به سؤالات ما پاسخ گفتند. آنچه می‌خوانید متن ویراسته آن گفت و گو است.

\*\*\*

در خدمت خانم دکتر مهدخت معین و جناب استاد محمد روشن هستیم و بناست در زمینه شخصیت علمی و اجتماعی مرحوم دکتر معین، با این دو استاد بزرگوار صحبت نماییم.

تردیدی نیست تا زمانی که زبان فارسی زنده است، کسانی که به این زبان صحبت می‌کنند، مرهون دکتر معین هستند؛ ضمن اینکه اگر ایشان نبودند کار مرحوم دهخدا نیز نیمه‌تمام می‌ماند. لذا از دو استاد بزرگوار تقاضا می‌کنم نخست در مورد لغتنامه و مسائل و مشکلاتی که مرحوم معین با آن مواجه بودند و نیز در زمینه تدوین فرهنگ فارسی توضیحات لازم را بیان نمایند. روشن: واقعیت این است که برای هر موردی بتوانیم همتایی پیدا کنیم، برای کار دکتر معین نمی‌توان همتایی یافت. زمانی که مرحوم معین تصمیم گرفتند فرهنگ فارسی را تدوین نمایند، عده‌ای این بحث را مطرح کردند که با وجود لغتنامه دیگر نیازی به فرهنگ فارسی نیست، حال آنکه ما امروزه می‌بینیم در کنار



زیادی تحت تأثیر اصلاحات دکتر معین تغییر کرده و بازنگاری شده است؛ البته دکتر دبیرسیاقی نیز بسیار در این زمینه تلاش کرده‌اند که متأسفانه کمتر از ایشان یاد می‌شود.

معین: البته خود دکتر معین در یادداشتی اشاره کرده‌اند که به پیشنهاد ایشان، علامه دهخدا پذیرفته‌اند که لازم است یک فرهنگ امروزی در بردارندهٔ مسائل دستوری باشد، با تصویر همراه باشد و ...

روشن: به این نکته نیز توجه داشته باشید که اصرار مرحوم دهخدا این بود که فرهنگ مذکور واجد خصوصیات ویژه‌ای باشد که این خصوصیات امروزه در فرهنگ معین دیده می‌شود.

اگر ممکن است در مورد کار فرهنگ‌نویسی دکتر معین و مقایسهٔ آن با لغتنامهٔ دهخدا نیز توضیحات لازم را بیان نمایید.

معین: در این زمینه نخست لازم می‌دانم به نکته‌ای که مرحوم پدر نیز مکرراً در یادداشت‌هایشان بر آن تأکید کرده‌اند، اشاره نمایم و آن اینکه فرهنگ معین با لغتنامهٔ دهخدا متفاوت است. لغتنامه نوعی دایرةالمعارف است. به خصوص در مورد اعلام تاریخی و جغرافیایی، مراجعه‌کننده را از کتاب‌های بسیاری بی‌نیاز می‌کند.

روشن: خانم دکتر درست می‌فرمایند مثلاً همهٔ اعلام رجال را در لغتنامه‌ها می‌توان دید. برای نمونه معجم‌البلدان یا معجم‌الادبا دارای چنین خصوصیتی است و تمام موارد تاریخی را می‌توان در آنها جست‌وجو کرد.

معین: حال آنکه فرهنگ معین، در بین فرهنگ‌های معین - که قرار بود چاپ شود - فرهنگ متوسط است (از لحاظ حجم)، البته ایشان در نظر داشتند که فرهنگ مشروح را چاپ نمایند و فیش‌هایش را نیز آماده کرده بودند، اما ترجیح دادند نخست

لغتنامه فرهنگ‌های دیگری به فارسی و عربی موجود است که هر کدام جایگاه خود را دارد و با لغتنامه نیز متفاوت است. کسی که با لغت سر و کار دارد، شأن دستوری لغت و احیاناً اشتقاق آن برای او مهم است که عموماً دکتر معین به این دو مورد توجه خاص داشته‌اند. در آن موقع این مسائل مطرح شد و باید بگویم بسیاری از آنها از سر حسادت بود. البته بسیاری از استادان ادبیات خودشان پذیرفته بودند که معین از لحاظ رتبهٔ علمی مقام نخست را دارد. معین: در میان استادان ادبیات، دکترصفا و دکتر خانلری و دکتر مینوچهر در دوره دکتری با هم وارد شدند و خود آنها گفته‌اند که ما سه تفنگدار بودیم و یک سال بعد معین هم به ما ملحق شد و از ما جلو افتاد.

البته دکتر مینوچهر را دکتر معین استاد کردند. مینوچهر، آن زمان مدیرکل دخانیات بود که سازمانی درآمدزا و اشتغال‌زا به شمار می‌آمد، بنابراین عمدهٔ فعالیت ایشان در این زمینه بود و با وجود اینکه مدیر عامل دخانیات و فردی سیاسی - اقتصادی بود، نجابت و اخلاص بی‌نظیری داشت.

همان‌گونه که مستحضر هستید، بزرگان عرصهٔ لغت‌نویسی و فرهنگ‌نویسی، دکتر معین را بنیانگذار دانش لغت‌نویسی می‌دانند و با وجود اینکه مرحوم دهخدا پیش از مرحوم معین پایهٔ این کار را بنا نهاده بودند، تمامی اهل ادبیات متفق‌القول هستند که از نظر شیوهٔ لغت‌نویسی و روش علمی که فرهنگ فارسی دارد، در این زمینه حتی با لغتنامه هم قابل مقایسه نیست. خلاصه اینکه به نظر می‌آید اولین فرهنگی که بر پایهٔ روش علمی تدوین شده است، فرهنگ فارسی دکتر معین است. نظر شما در این زمینه چیست؟ روشن: بله دقیقاً همین‌طور است، ضمن اینکه همین لغتنامهٔ ۶۱ جلدی دهخدا که هم‌اکنون در بازار موجود است، تا حدود



فرهنگ متوسط را چاپ کنند. ایشان تخمین زده بودند که فرهنگ متوسط چهار جلد شود، اما نهایتاً دیدیم که شش جلد شد. فرهنگ مشروح نیز قرار بود ده جلد باشد که احتمالاً اگر چاپ می‌شد بیش از ده جلد می‌شد.

با توضیحاتی که فرمودید روشن می‌شود که مرحوم معین مواد اولیه فرهنگ مشروح و فیش‌های آن را فراهم کرده بودند که هم‌اکنون نیز موجود است. حال به نظر شما با وجود کارهای متعددی که از آن زمان تاکنون در زمینه فرهنگ‌نویسی صورت گرفته است، برای نمونه کاری که فرهنگستان آغاز کرده و هنوز به سرانجام نرسیده است و یا فرهنگ سخن، هنوز ظرفیت کار کردن بر روی فرهنگ مشروح دکتر معین و ضرورتی برای احیای یادداشت‌های ایشان وجود دارد یا خیر؟

معین: بله این کار کاملاً ضروری است و روزی حتماً باید بر روی فرهنگ مشروح کار شود. مرحوم معین بسیاری از مسائل را درباره ریشه لغات، معانی تاریخی لغات، استعمال لغات از لحاظ تاریخی، به طور مستقیم و شفاهی از استادانی نظیر مرحوم فروزانفر، استاد مینوی، علامه قزوینی و نیز مستشرقان غربی، به دست آورده بودند که در این فیش‌ها آمده است. این یادداشت‌ها، یادداشت‌هایی بسیار بکر است که تاکنون در هیچ جا نیامده است و برای زبان فارسی بسیار مفید است و حتماً لازم است که روزی به چاپ رسد و چون کاری بزرگ و سنگین است، خانواده از عهده این کار بر نمی‌آید. واقعیت این است که خانواده نباید بنیاد ایجاد کند و اساساً این کار برعهده خانواده ایشان نیست.

روشن: خانم دکتر درست می‌فرمایند. وسعت کار به گونه‌ای است که نمی‌توان از نهادهای کوچک انتظار داشت آن را عملی نمایند و انجام آن در گرو تشکیل بنیادی بزرگ است. از زمانی که مرحوم معین به کار فرهنگ نویسی پرداختند، انباشته مصالحی که برای این کار لازم است، در اختیار داشتند. از میان این مصالح، بخشی بیرون کشیده شد و فرهنگ متوسط و یا متعارف نام گرفت، اما باقی مانده آن از بین نرفته است و هنوز موجود است که در کار تدوین فرهنگ اصلی که همان فرهنگ نهایی است باید مورد استفاده قرار گیرد و مهم‌تر از همه اینها، فرهنگ اتیمولوژیک (ریشه‌شناختی) معین است که آن هم باید تدوین شود. این کار هم امکان‌پذیر است. بهترین دلیل برای اثبات این مدعا برهان

قاطع است که این کار در آن انجام شده است و اگر در این زمینه، مرحوم معین به برخی لغات اشاره نکرده است به این دلیل است که در آن دوره کاربرد نداشته است؛ ولی ایشان در فیش‌ها به نود و نه درصد لغات اشاره کرده‌اند و اگر به مواردی اشاره نکرده‌اند، به این دلیل نیست که در مصالح موجود نبوده است.

واقعیت این است که بعد از چندین سال که از تدوین فرهنگ فارسی گذشته است، هنوز مرجع مدونی نداریم که نیاز مراجعه‌کنندگان را در زمینه ریشه لغات برطرف نماید. البته در برخی موارد، مثلاً در واژه‌نامه‌های آخر کتاب‌ها به این مسأله پرداخته شده است اما کافی نیست؛ ضمن اینکه در همین واژه‌نامه‌ها نیز، در نود و نه درصد از یادداشت‌های «برهان قاطع» استفاده شده است. امروزه نیز تنها مرجع ما برای مراجعه، همان حواشی برهان قاطع است؛ حال آنکه نباید این‌گونه باشد، چرا که کارکرد برهان قاطع چیز دیگری است و ما نباید انتظار داشته باشیم که حواشی برهان قاطع در حد یک فرهنگ ریشه‌شناسی زبان فارسی مفید واقع شود.

خانم دکتر معین سؤال بنده این است که شما به عنوان فرزند خلف مرحوم معین که پا جای پای ایشان گذاشته‌اید، قصد ندارید این کار را ادامه دهید؟

معین: حقیقت این است که من در مقابل آن اقیانوس قطره‌ای بیش نیستم، لذا اگرچه علاقه‌مندم این کار را انجام دهم و یادداشت‌های ایشان را تکمیل نمایم، این کار از عهده من خارج است و پی برده‌ام که نمی‌توانم چیزی از جانب خود به این یادداشت‌ها اضافه نمایم. امروزه می‌شنویم که بسیاری می‌گویند فرهنگ متوسط باید روزآمد شود؛ اما به عقیده من این اشتباه محض است. ما می‌توانیم فرهنگ جدید و تکمله بنویسیم اما درست نیست که فرهنگ فارسی را تغییر دهیم. این فرهنگ باید عیناً به همان صورت چاپ شود؛ زیرا اعتمادی که به یادداشت‌های ایشان وجود دارد، در هیچ جای دیگری وجود ندارد.

روشن: من هم نظر خانم دکتر را تأیید می‌کنم؛ برای نمونه همین فرهنگ سخن که به قول شما فرهنگ ارزنده و موفق است، به هیچ وجه قابل مقایسه با فرهنگ معین نیست. اگرچه دست اندرکاران این فرهنگ ادعا دارند، ۳۰۰ منبع ادبیات معاصر را در آن گنجانده‌اند، به هیچ وجه فرهنگ موفق نیست؛ در عین



حال ما معتقدیم که هر کاری که انجام شده است ارزش خاص خود را دارد. فرهنگ معین باید به همان صورتی که دکتر معین تدوین کرده‌اند چاپ شود.

البته در وادی ادبیات، هر کس کاری کرده است ولو اینکه حجم کار او دو صفحه بیشتر نباشد، اجرش محفوظ است، چرا که کار در این عرصه از روی عشق و علاقه است و اجر مادی مناسبی بر آن متصور نیست.

معین: بله درست می‌فرمایید. منظور من این است که فرهنگ متوسط، باید عیناً به همان صورت نخست چاپ شود. برخی بر این باورند که فرهنگ‌نویسی به معنای جمع‌آوری و گردآوری از فرهنگ‌های دیگر است و بر همین اساس، در شروخی که برای کتاب‌های درسی مثلاً شاهنامه، قصاید و غزلیات سعدی و به طور کلی متون نظم و نثر گذشته، می‌نویسند، شرح لغتی را از فرهنگ معین استخراج کرده و نوشته‌اند اما مأخذ نداده‌اند. این افراد چنین می‌اندیشند که مرحوم معین نیز در تدوین فرهنگ فارسی از کتاب‌های دیگر استفاده کرده است؛ حال آنکه در بسیاری موارد توضیحاتی که در مورد لغات ذکر کرده‌اند کشف و استنباط شخصی خود ایشان بوده است. در شرح و توضیح برخی از لغات نیز مقاله نوشته‌اند. مثلاً شرح و توضیح لغاتی مثل «زلف» و «زلفین» را به صورت مقاله درآورده‌اند و فشرده آن را در فرهنگ ذکر کرده‌اند. لذا این لغت اگر در جایی آورده می‌شود باید مأخذ داده شود زیرا مطالبی که در مورد این لغت ذکر کرده‌اند استنباط شخصی ایشان بوده است و در جای دیگری نیامده است. در مورد بسیاری از لغات دیگر نیز همین‌گونه است. من در فرهنگ فارسی به موارد زیادی برخورده‌ام که استنباط شخصی پدر بوده است. برای نمونه کلمه‌ای را آورده‌اند که در شعر رودکی، فرخی یا دیگر شعرای قدیم ایران دارای معنی خاصی است و برای همین آن کلمه را آورده‌اند و همان بیت را برای آن مثال زده‌اند؛ به این معنی که این کلمه فقط در این بیت دارای این معنی است و در جاهای دیگر چنین معنایی ندارد؛ لذا لازم است کسانی که بر این ابیات شرح می‌نویسند به یادداشت‌های ایشان مراجعه نمایند، اما چون در بسیاری موارد به فرهنگ معین مراجعه نکرده و از فرهنگ‌های دیگر نقل قول کرده‌اند، در مورد یک کلمه معانی را ذکر کرده‌اند که مدّ نظر شاعر نبوده است؛ حال آنکه اگر از





معین: بله ایشان قصد انجام چنین کاری را داشتند و طرح آن را نیز تهیه کرده بودند. در مورد فرهنگ‌هایی که مربوط به زبان فارسی است، برای نمونه فرهنگ اشتقاق و یا مسائل دستوری، فیش‌های فراوانی موجود است. برخی فرهنگ‌ها نیز وجود دارد که طرح مفصلش را هم تهیه کرده‌اند. برخی دیگر هم فقط در حد مقدمه کار است و جزئیات آن را تعیین کرده‌اند. فرهنگ یک جلدی هم وجود دارد که فیش‌هایش به صورت کامل از «الف» تا «ی» موجود است و در برخی موارد لازم است تلفیق شود. روشن: مسأله‌ای هست که نه از لحاظ عقلی و نه از لحاظ نقلی تردیدی در آن نیست و آن اینکه دکتر معین مواد و مصالح دو کار را به صورت کامل فراهم کرده بودند؛ یکی ریشه‌شناسی زبان فارسی و دیگری فرهنگ تاریخی است. فرهنگ تاریخی با فرهنگ اتیمولوژیک متفاوت است، اما من با در نظر گرفتن تداول عام، مثالی خدمت شما عرض می‌کنم، برای نمونه لغت «شوخی» در کهن‌ترین نثر فارسی که «شاهنامه ابومنصوری» است به معنی «مرد باصلابت» آمده است. متن شاهنامه این است: «سپهسالار خراسان مردی شوخ و سهمگن بود.» همچنان که عرض کردم معنی شوخ در این متن «مرد باصلابت» است. در «اسرار التوحید» آمده است: «مردی به گرمابه شد تا شوخ از تن به در کند»، در این متن نیز «شوخی» به معنی چرک و کثیفی است. سعدی نیز می‌گوید: «پدر گوش مالیدم ای شوخ‌چشم»، سعدی نیز «شوخی» را به معنای دیگری به کار برده است. امروزه نیز ما «شوخی» را در معنی دیگری به کار می‌بریم و مثلاً می‌گوییم: «فلانی آدم شوخی است». این نمونه‌ها سطحی است و نباید در حد علمی مطرح شود، اما همان‌گونه که عرض کردم بنده تداول عام را در نظر گرفتم. خلاصه اینکه لغت‌شناسان و ریشه‌شناسان ما و کسانی که به زبان‌های باستانی آشنایی دارند، می‌توانند نمونه‌های وافر در این زمینه ارائه دهند. مقصود اینکه دو موردی که خدمت شما عرض کردم جزء تخصص‌های دکتر معین بود. خاطر هست که در آن زمان دولت ایران با آقای پروفیسور «هنینگ» که از شناخته‌شده‌ترین رجال ادبی زمانه بود، برای تدوین فرهنگ ریشه‌شناسی زبان فارسی قرارداد بست. دستمزد فراوانی نیز به ایشان پرداخته شد، اما کار به جایی نرسید. خود پروفیسور هنینگ هم به شخصیت علمی دکتر معین وقوف داشت

همان آغاز به فرهنگ معین مراجعه می‌کردند چنین مشکلی پیش نمی‌آمد. دقیقاً به همین دلیل است که می‌گویم فرهنگ معین باید دست نخورده باقی بماند؛ چرا که دقت دکتر معین و تعهد علمی ایشان در هیچ جای دیگری مشاهده نمی‌شود. ایشان آنچه را که بدان اطمینان داشته‌اند نوشته‌اند و سعی کرده‌اند مطالبی را بنویسند که برای فرهنگ ایران و نیز زبان فارسی مفید است و مجموعه این مسائل، آثار ایشان را از اعتباری ویژه برخوردار کرده است؛ بنابراین حیف است که ما در تقریرات ایشان دست ببریم. در این صورت خواننده نخواهد دانست کدام قسمت نوشته دکتر معین است و کدام قسمت مطالبی است که دیگران افزوده‌اند. ضمن اینکه ما می‌پذیریم امروزه که بیش از سی سال از انتشار فرهنگ معین می‌گذرد، کلمه‌ها و اصطلاحاتی وارد زبان فارسی شده که در فرهنگ معین نیست. بنابراین لازم است تکمله‌ای برای فرهنگ نوشته شود و به صورت جداگانه چاپ گردد. مرحوم معین در مقدمه فرهنگی که تألیف کرده‌اند اشاره نموده‌اند که قصد داشته‌اند غیر از فرهنگ متوسط و مشروح، فرهنگ‌های دیگری را از جمله فرهنگ ریشه‌شناسی و یا فرهنگ اصطلاحات رشته‌های مختلف علمی تهیه نمایند. اگر ممکن است در این زمینه نیز توضیحات لازم را بیان نمایید.



آیا تاکنون چنین تعلیقات و یادداشت‌هایی به دست شما رسیده است؟

معین: بله چنین یادداشت‌هایی به دست ما رسیده است. اما همان‌گونه که مستحضر هستید این کتاب همیشه افست شده و هرگز تجدید چاپ نشده است و من در افست‌ها تا آنجا که ممکن بوده است، سعی کرده‌ام یادداشت‌های خود مرحوم معین را وارد کنم. برای نمونه تاریخ فوت بعضی شخصیت‌ها، تغییر آرم یا پرچم یک کشور، اشخاصی که در صدر بعضی حکومت‌ها بوده‌اند و اسمشان به مناسبتی در شرح آن کشور آمده است و بعد فوت کرده‌اند، تاریخ فوت این افراد و یا تاریخ عوض شدن حکومتشان، آمار جمعیت در شهرهای ایران و نیز خارج از ایران، تاکنون بارها تغییر کرده است و بنده شخصاً تا به امروز چهار بار این آمار را اصلاح کرده‌ام.

آیا این تغییرات فقط به بخش اعلام مربوط می‌شود یا بخش‌های دیگر را نیز در بر می‌گیرد؟

معین: خیر فقط به بخش اعلام مربوط نمی‌شود و بخش‌های دیگر را نیز در بر می‌گیرد. دکتر معین خودشان عمدتاً در دوره حیاتشان اغلاط چاپی را تصحیح کرده بودند و ما نیز تاکنون دست‌کم نود و پنج درصد از این اغلاط چاپی را تصحیح کرده‌ایم؛ اما متأسفانه یک مورد مانده است که بنده مکرر یادداشت کرده‌ام و در اختیار انتشارات امیرکبیر گذاشته‌ام، ولی تاکنون تصحیح نشده است و آن مربوط به «مروج الذهب» است که در آوانویسی لاتین به صورت «مروّج الذهب» آمده است؛ اما در سایر موارد این اصلاحات اعمال شده است. در مواردی که تا آخر مطلب نیم‌خط فاصله بوده است و خود مرحوم معین مطلبی را اضافه کرده‌اند، این مطلب در افست وارد شده است. در مواردی نیز مرحوم معین بین دو صفحه کاغذ گذاشته‌اند و مطلب و یا واژه و ترکیب و شاهد و مثال اضافه کرده‌اند که متأسفانه اینها را نیز تاکنون موفق نشده‌ایم در فرهنگ وارد کنیم؛ لذا به عقیده من نخست لازم است یادداشت‌های خود مرحوم معین را در فرهنگ شش جلدی وارد کنیم و بعد سراغ فرهنگ مشروح برویم.

به نظر می‌آید جغای بزرگ دیگری به فرهنگ معین شده است...

معین: بله متأسفانه هفت سال است که این کار انجام می‌شود

و می‌دانست که در ایران هم‌تا و هم‌شأنی علمی دارد که می‌تواند این کار را انجام دهد. در مقوله فرهنگ تاریخی هم، من می‌توانم در همین فرهنگ متوسط شواهدی ارائه دهم که در حوزه فرهنگ تاریخی قرار می‌گیرد. امروزه نیز مراکزی هستند که به این کار یعنی تدوین فرهنگ تاریخی مشغول هستند؛ یکی از این مراکز «فرهنگستان زبان و ادب» و دیگری «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» است که سال‌هاست به این کار مشغول است ولی فقط تا حرف «دال» پیش رفته است.

خانم دکتر معین، مرحوم معین مقالات متعددی را نیز در نشریات آن زمان منتشر کرده بودند و این مجموعه به همت شما چاپ شده است اما به نظر می‌آید این مجموعه دو جلدی شامل همه مقالات دکتر معین نیست؛ نظر شما در این زمینه چیست؟

معین: بله همین‌طور است. مرحوم معین مجموعاً دویست مقاله تألیف کرده‌اند که شماری از آنها در دو جلد چاپ شده است و بخشی از این مقالات باقی مانده است که در جلد سوم به چاپ خواهد رسید، ضمن اینکه برخی از مقالات ایشان در خارج از کشور است و ما به آنها دسترسی نداریم و تا به امروز نیز بنده نتوانسته‌ام نسخه‌ای از این مقالات را در کتابخانه شخصی ایشان پیدا کنم. اما همان‌طور که عرض کردم مقالاتی را که در اختیار داریم، در دو جلد چاپ کرده‌ایم و تعدادی هم که چاپ نشده است در جلد سوم چاپ خواهد شد.

در برخی از تحقیقات ادبی به مقالاتی از دکتر معین استناد شده است که در این دو جلد وجود ندارد و برای همین بود که من گمان کردم شاید مقالات ایشان بیشتر از این تعدادی باشد که تاکنون چاپ شده است.

معین: ما این مقالات را به ترتیب تاریخی چاپ کرده‌ایم و برخی مقالات که متأخر است هنوز چاپ نشده است.

همان‌گونه که مطلع هستید یکی از پرمراجعه‌ترین و پرمخاطب‌ترین آثار دکتر معین فرهنگ فارسی ایشان است که همه افراد با سطح معلومات مختلف به آن مراجعه می‌کنند. در برخی موارد پیش می‌آید که بعضی از استادان و صاحب‌نظران، تقریرات و یادداشت‌ها و تذکراتی را ارائه می‌دهند و این انتظار وجود دارد که این یادداشت‌ها و تذکرات در اصلاحات بعدی در نظر گرفته شود و به صورت تعلیقات مورد استفاده قرار گیرد.



دیده‌ایم که فرهنگ را در یک جلد چاپ می‌کنند و این فرهنگ از صفحه اول دارای اشتباه است. در بسیاری موارد معانی مهم را نمی‌آورند. ارجاعات نیز به درستی صورت نمی‌گیرد. من به خاطر همین مسأله به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفتم و به این موضوع اعتراض کردم و به این مسأله تأکید کردم که این اثر، میراث فرهنگی است و وزارت ارشاد نباید اجازه دهد چنین کاری صورت گیرد. پیش از فرهنگ معین در مورد آثار دیگر این کار را انجام می‌دادند، مثلاً آثار «صادق هدایت» و یا «صادق چوبک» عیناً چاپ می‌شد و مشکلی پیش نمی‌آمد اما در مورد فرهنگ معین این‌گونه نیست و چاپ آن در یک جلد مشکلات فراوانی ایجاد کرده است. همچنین در این قانون آمده است که نام مؤلف باید حفظ شود. وقتی فرهنگ شش جلدی را در یک جلد چاپ می‌کنند، چگونه این فرهنگ می‌تواند فرهنگ کامل و اثر دکتر معین باشد. مردم به نام دکتر معین اعتماد می‌کنند و این فرهنگ را تهیه می‌کنند، اما با اشکالات زیادی مواجه می‌شوند و متأسفانه گمان می‌کنند که خانواده دکتر معین این کار را کرده است. من در سال ۱۳۸۰، اعتراض خود را کتاباً به وزارت ارشاد اعلام نمودم و آنها گفتند قانون همین است، حال آنکه باید به مجلس پیشنهاد دهند قانون را عوض کند و شما مستحضر هستید که بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان و معلمان به دلیل وضعیت مالی نامساعد، فرهنگ یک جلدی را تهیه می‌کنند و از این طریق، اغلاطی که در فرهنگ راه یافته است، شایع می‌شود و به ادبیات لطمه وارد می‌کند. اخیراً کتاب دیگری از دکتر معین چاپ شده است به نام «ستاره ناهید»؛ این کتاب نخستین کتابی است که دکتر معین در سال ۱۳۱۶ چاپ کرده‌اند. کتاب داستانی منظوم است که مربوط به ستاره ناهید و خرداد و امرداد است و ناشر در میان کتاب عکس‌هایی آورده است که هیچ ارتباطی به داستان ندارد. نام عکاس هم پشت جلد کتاب آمده است ظاهراً ناشر تصور کرده کتاب به فروش نمی‌رسد از این عکس‌ها و از نام عکاس استفاده کرده است و من با خود می‌اندیشم چگونه اجازه می‌دهند کتاب چنین شخصیتی خراب شود؟ در هیچ جای دنیا رسم نیست ناشری که می‌خواهد آثار نویسنده‌ای را بعد از شصت یا نود سال چاپ کند، از خانواده او کسب اجازه نکند. مسأله حق‌التألیف نیست، مسأله اطلاع دادن و کسب اجازه کردن است. اگر ناشران ما را

یعنی از سال ۱۳۸۰ که سی سال از فوت مؤلف گذشت... همان‌گونه که مستحضر هستید در کشور ما این قانون وجود دارد که سی سال پس از مرگ مؤلف می‌توان کتاب را بدون در نظر گرفتن حق مؤلف و... چاپ کرد. حال آنکه در کشورهای دیگر این قانون ۶۰ تا ۹۰ سال بعد از مرگ مؤلف اجرا می‌شود. برای مثال حق چاپ آثار «تاگور» به مدت شصت سال در اختیار دانشگاهی قرار داشت که اخیراً این شصت سال به پایان رسید، بنابراین تصمیم گرفتند چاپ آن را آزاد کنند، ولی دولت هندوستان اعلام کرد چون آثار تاگور، آثاری ملی است، آزاد کردن حق چاپ آن، لطمه‌های زیادی وارد می‌کند؛ لذا دوباره چاپ این آثار را در اختیار همان دانشگاه قرار دادند. من قانون را به درستی مطالعه کرده‌ام، قانون می‌گوید: «نباید اثر مشابه اثر اصلی باشد» و این بدان معنا است که اثری که چاپ می‌شود باید عین اثر اصلی باشد. بنابراین نباید فرهنگ شش جلدی را یک جلدی کنند. متأسفانه امروزه هر کسی در هر سطحی از مقام و مرتبه علمی، به خود اجازه می‌دهد فرهنگ شش جلدی را خلاصه کند و در یک جلد به چاپ رساند؛ حال آنکه قانون چنین چیزی را تأیید نمی‌کند. اگر فرهنگ عیناً در شش جلد چاپ شود، اشکالی ندارد، اما مکرر



معین: بله خودشان هم به این مسأله معترف هستند و بارها به من گفته‌اند که هرگاه وضعیت اقتصادی انتشارات خراب می‌شود، به فرهنگ معین و چاپ آن پناه می‌برند.

**روشن:** نکته دیگری که لازم است به آن توجه شود، ابعاد علمی، اخلاقی، اجتماعی و شئون فردی دکتر معین است. شیوه تدریس ایشان، شیوه‌ای خاص و کم‌نظیر بود. خوشبختانه در مجلسی که چندی پیش در انجمن آثار و مفاخر ملی برگزار گردید، در منشوری که ارائه شد، این شیوه مطرح گردید. بنده افتخار داشتم که از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ در محضر ایشان شاگردی نمایم. سال اول با وجود اینکه مرحوم معین استاد کرسی متون بودند و باید خودشان به امر تدریس مشغول می‌شدند به دلیل احترامی که به استاد «عبدالعظیم قریب» قائل بودند و مدت‌ها نزد ایشان تلمذ کرده بودند، درس را به ایشان تفویض کردند؛ لذا ما سال اول در خدمت مرحوم قریب بودیم و درس «کلیله و دمنه» را نزد ایشان خواندیم، اما سال‌های بعد خودشان به کلاس ما می‌آمدند و به تدریس می‌پرداختند. نکته دیگر اینکه در آن روزگار، آفت علم‌سوز «ترم» وجود نداشت؛ ما دانشجویان ادبیات موظف بودیم دوره‌ای کامل را طی کنیم. مسلماً برای کسی که مدتی هرچند کوتاه به کار تدریس پرداخته است، قابل فهم است که تقلیل دادن پنجاه و دو هفته تدریس به هفده هفته چه فاجعه‌ای به بار خواهد آورد. دکتر معین معمولاً درس را از مرحله روخوانی و این قلمت و تفسیرهای جزئی آغاز می‌کردند و به درجه تفسیر علمی و دقیق می‌رساندند. به گونه‌ای که طی یک دوره یک‌ساله تحصیلی، امکان اینکه معدل تدریس ایشان بیش از شصت صفحه کتاب باشد، وجود نداشت. دکتر معین به دلیل تسلطی که به واژه و ریشه و معانی ثانوی لغات داشت، همیشه به بررسی جنبه‌های استعاری و سایر جنبه‌های ادبی متن می‌پرداخت و برای همین بود که مثلاً وقتی کسی می‌گفت پنجاه صفحه از تاریخ بیهقی را نزد دکتر معین خوانده است، اطمینان قلبی حاصل می‌شد که این فرد با زبان تاریخ بیهقی آشنا شده است.

جناب استاد روشن، شما از چه زمانی با مرحوم معین ارتباط علمی پیدا کردید و مناسبت این ارتباط چه بود؟

**روشن:** از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ من دانشجوی ایشان بودم. البته پیش‌تر به وسیله مرحوم پورداد با ایشان آشنایی پیدا کرده

نیز از چاپ مجدد آثار مرحوم معین مطلع نمایم، ما یادداشت‌هایی داریم که می‌توانیم در اختیار آنها قرار دهیم؛ اما متأسفانه ناشران نه تنها این کار را نمی‌کنند، حتی یک نسخه هم بعد از چاپ در اختیار ما قرار نمی‌دهند. چندی پیش، فردی نزد من آمد و از من خواست اطلاعات و شرح حالی را از مرحوم معین در اختیار او قرار دهم، بعد فرهنگ معین چاپ شد و در مقدمه‌ای که برای کتاب نوشته شده بود، آمده بود که ما در چاپ این کتاب از دکتر مهدخت معین کمک گرفتیم؛ در حالی که من دو فردی را که نامشان در انتهای مقدمه آمده بود، نمی‌شناختم. نکته دیگر مربوط به لوح فشرده فرهنگ معین است که انتشارات امیرکبیر آن را منتشر کرده است. انتشارات امیرکبیر بدون اینکه ما را در جریان بگذارد و قرارداد بنماید اقدام به تهیه و تکثیر این لوح فشرده کرده و نامش را «فرهنگ جامع امیرکبیر» گذاشته است. و تصویر فرهنگ شش جلدی معین را زیر عنوان چاپ کرده است. من نمی‌دانم این کار با کدام یک از اصول نشر مطابقت دارد. من به انتشارات امیرکبیر رفتم و به این مسأله اعتراض نمودم. ایشان در پاسخ گفتند که دستور داده‌اند، انتشار آن قطع گردد، حال آنکه نمونه‌های جدید آن هر روز وارد بازار می‌شود. اگر انتشارات امیرکبیر پیش از آنکه اقدام به این کار می‌کرد، ما را نیز در جریان قرار می‌داد، به این کار نظارت می‌کردیم و یادداشت‌های مهم خود را در اختیار آنها قرار می‌دادیم و این کار مانع از راه یافتن غلط‌های گوناگون در این مجموعه می‌شد.

**مسأله دیگر این است که اگر یادداشت‌های مهمی که شما فرمودید تاکنون وارد فرهنگ شش جلدی معین نشده است، به این دلیل است که برای این کار باید فرم‌های زینک را تغییر داد و این کار نیازمند صرف هزینه‌های فراوان است. حال برای اینکه این متن وارد نرم‌افزار شود، باید تمام متن دوباره تایپ شود و اگر قرار است چنین کاری صورت گیرد، دیگر چه لزومی داشت که چاپ قدیمی را دوباره افست کنیم، می‌توانستیم در حین تایپ مجدد یادداشت‌های جدید را وارد کنیم و چاپ جدیدی را منتشر نماییم. ضمن اینکه هر کسی که به کار نشر آشنایی دارد ولو اینکه آشنایی او اندک باشد، قطعاً می‌داند فرهنگ معین برای انتشارات امیرکبیر با وضعیتی که بعد از انقلاب به وجود آمد، حکم چاه نفت را دارد.**





بودم و با هم رفت و آمد خانوادگی داشتیم.

خانم دکتر معین، اگر ممکن است اندکی نیز در مورد منش اخلاقی دکتر معین که می تواند برای دانشجویان ادبیات الگو باشد و راه درست زیستن را به ما بیاموزد، صحبت نمایید.

معین: بنده نکاتی را در این زمینه به خاطر دارم که لازم می دانم خدمت شما عرض نمایم. نخست اینکه دکتر معین سعی می کردند کارهایی که انجام می دهند مطابق با اصول علمی باشد. دوم اینکه در کارهایشان دقت فوق العاده ای اعمال می نمودند. همان طور که در جلسه انجمن آثار نیز گفته شد، گاه پیش می آمد که نمونه های چاپی کتاب هایشان را تا چهار مرتبه تصحیح می کردند. مرحوم معین برای همه کتاب هایشان حواشی می نوشتند. کتاب های نظم و نثری که در کتابخانه ایشان موجود است همه دارای حواشی است. در برخی موارد نوشته اند که نظر من در چاپ قبلی این بوده است، ولی بنا به دلایلی این نظر اشتباه است. از دیگر ویژگی های برجسته دکتر معین امانتداری علمی ایشان بود. من شاهد بودم که در یکی از کلاس های ایشان، دانشجویی کلمه ای را به طور خاصی ادا کرد. پدر فوراً از او پرسید که اهل کجا هستید؟ دانشجو دستپاچه شد، پدر به او گفت که شما این واژه را درست تلفظ کردید و برای همین می پرسم. دانشجو هم گفت که دزفولی است. پدر بلافاصله نام این دانشجو را یادداشت کرد و بعدها در مقابل این واژه نوشت که چنین شخصی گفته است این واژه در لهجه دزفولی این گونه تلفظ می شود.

در حواشی برهان قاطع نیز چنین مواردی فراوان به چشم می خورد. خصوصاً در تعلیقاتی که ایشان در جلد آخر یعنی جلد پنجم نگاشته اند. در جای جای این حواشی می بینیم که نوشته اند این توضیح را فلان شخص درباره فلان لغت داده است و آن مورد را به نام آن شخص نقل کرده اند.

معین: در این مورد خود ایشان مطلبی را نقل کرده اند و گفته اند که در حاشیه یکی از کتاب هایشان مطلبی را نوشته اند و مأخذ داده اند: افادات شفاهی لازار. در یکی از امتحانات شفاهی دانشجویی این مطلب را ذکر کرده بود. پدر از او پرسیده بود این مطلب را از کجا نقل می کنید و دانشجو گفته بود: از افادات شفاهی لازار. به این معنی که دانشجو گمان کرده بود «افادات شفاهی لازار» نام مأخذ است و معنی آن را درک نکرده بود!

چندی پیش شنیدم که دانشجویی، رساله ای درباره شأن علمی دکتر معین و نیز درباره آثار و شیوه علمی ایشان تدوین کرده اند. شما اطلاعی از چند و چون این رساله دارید؟

معین: رساله های متعددی در این زمینه کار شده است؛ اما در این مورد خاص اطلاع دقیقی ندارم. چند سال پیش خانمی که در هند تحصیل می کردند و موضوع رساله دکتریشان در مورد دکتر معین بود نزد من آمدند و منابعی در این زمینه گرفتند و با من و مادرم در این خصوص صحبت کردند و بعد هم نسخه ای از رساله را به ما دادند. همان طور که عرض کردم در ایران نیز در دانشگاه آزاد گیلان، دانشجویی پرسش نامه هایی تهیه کرده است راجع به شیوه علمی دکتر معین و از من خواسته است به این پرسش ها پاسخ بگویم.

خانم دکتر معین، شکی نیست که بسیاری از بزرگان عرصه ادب و نیز دانشجویان شخصیت علمی خود را مرهون دکتر معین می دانند. حال اگر ممکن است چند مورد از خاطراتی را که گمان می کنید برای دانشجویان و دانش آموزان ادبیات جالب و مفید باشد بیان نمایید.

معین: مهم ترین مسأله ای که همیشه از دکتر معین به خاطر دارم، اهمیت فوق العاده ای بود که ایشان برای فرهنگ ایران و زبان فارسی قائل بودند و در این راستا هر کاری را که برای زبان فارسی مفید تشخیص می دادند، انجام می دادند. متأسفانه افراد بسیاری هستند که هنوز ارزش زبان فارسی را در نیافته اند و گمان می کنند اگر ما امروز زبان سعدی و فردوسی را می فهمیم، به این دلیل است که این زبان تکامل پیدا نکرده است و مثلاً اگر مردم انگلیسی زبان، زبان شکسپیر را که زبان سید سال پیش است نمی فهمند به این معناست که این زبان تکامل پیدا کرده است، حال آنکه پدر بر این باور بودند که زبان فارسی آنقدر کامل بوده که نیازی به تغییرات اساسی نداشته است و خیلی مهم است که زبان فارسی بیش از هزار سال مانده است.

دکتر معین معتقد بودند که باید زبانی را که بیش از هزار سال دوام آورده و به ما رسیده است حفظ کنیم و به آیندگان بسپاریم. متأسفانه من امروز می بینم که بدون اینکه نیازی باشد، واژه های جدیدی رایج می شود؛ لذا این خطر وجود دارد که در آینده ای



معین: مسأله جدا و سرهم نوشتن در خط فارسی، مسأله بسیار مهمی است. در بسیاری موارد به وسیله این سر هم نوشتن‌ها، جناس ایجاد شده است و یکدست‌نویسی سبب از بین رفتن بسیاری از این آرایه‌ها و صنایع شعری می‌شود. در مورد علامت کسره اضافه هم همین‌طور است. واقعیت این است که اجداد ما شاید صدها سال طول کشیده است تا بفهمند که علامت کسره اضافه را می‌توان به صورت یای کوچک در بالای های غیرملفوظ نوشت؛ حال آنکه در رسم‌الخط جدید این «ی» را به صورت جدا می‌نویسند و یک کسره هم زیر آن می‌گذارند. این «ی» در نسخه‌های قدیمی در جاهایی به کار می‌رفت که اضافه، اضافه کامل نبود؛ مثلاً در شعر فردوسی یا مولوی این نمونه‌ها را می‌بینیم. در این موارد اضافه، اضافه ناقص است و برای همین است که «ی» به صورت جدا نوشته می‌شود، حال آنکه من مشاهده کرده‌ام بچه‌هایی که در دوره ابتدایی تحصیل می‌کنند، همه می‌توانند متن‌های ساده و کسره‌های اضافه را بدون علامت بخوانند؛ بنابراین نیازی نیست که این علامت در متن بیاید. چه بسا که نیاوردن آن متن را زیباتر می‌کند و متأسفانه این موارد، دستور و مسائل علمی زبان فارسی را مخدوش می‌کند.

ما در پژوهش‌های مرحوم معین، چند گرایش عمده را مشاهده می‌کنیم. یکی مربوط به لغت و ریشه‌شناسی است و دیگری مربوط به دستور و مسائل دستوری است. اگر ممکن است در مورد اهمیت این موضوع نیز صحبت بفرمایید.

نزدیک، آیندگان دیگر زبان فردوسی و سعدی را نفهمند. امروزه افراد زیادی هستند که بدون نیاز از واژه‌های انگلیسی استفاده می‌کنند. در تلویزیون نیز این واژه‌ها فراوان استفاده می‌شود و در بسیاری موارد افرادی که در خارج تحصیل کرده‌اند، از واژه‌های انگلیسی که معادل‌های فارسی دارد، استفاده می‌کنند و این واژه‌ها به تدریج رایج می‌شود؛ حال آنکه فردی نظیر پروفسور فضل‌الله رضا که سال‌ها در خارج زندگی کرده است وقتی به ایران می‌آید فارسی‌تر از همه فارسی‌زبان‌ها صحبت می‌کند. متأسفانه ما باید بپذیریم که غرزه شده‌ایم و به فارسی کمتر اهمیت می‌دهیم و واژه‌های بیگانه را به راحتی استعمال می‌کنیم. در بسیاری موارد در نوشته‌ها اعمال سلیقه می‌کنیم و حتی خط را نیز تغییر می‌دهیم. واقعیت این است که جدا نویسی‌های افراطی به خط فارسی لطمه می‌زند. خط فارسی تنها خطی است که قابلیت جدا و سر هم نوشتن، هر دو را دارد. چه کسی گفته که همه متن باید یکدست شود؟ چه اشکالی دارد که کلمه‌ای در یک جا جدا نوشته شود و در جای دیگر سر هم؟

در بسیاری موارد مشاهده می‌شود که فرهنگستان روش درستی را اتخاذ می‌کند و جزواتی منتشر می‌نماید؛ اما متأسفانه عموماً این روش را رعایت نمی‌کنند.

روشن: خط فارسی چون همیشه ریشه هنری داشته است، هم از لحاظ کتابت و هم از لحاظ صرفه‌جویی مکانی این امکان را دارد که به صورت جدا و سر هم نوشته شود.



مرحوم دکتر معین در مقدمه یکی از کتاب‌های دستوری‌شان نوشته‌اند: هر دستوری که نوشته می‌شود، دستور نهایی نیست؛ به این معنی که تا زمانی که تمام متون فارسی چاپ نشده است، ما نمی‌توانیم دستور جامع بنویسیم و از طرف دیگر اگر دستور جامع نداشته باشیم، برای تصحیح متون دچار مشکل خواهیم شد. یعنی این دو مسأله وابسته به هم هستند و باید در هر دو زمینه کار شود. به این معنی که متون جدید به تدریج باید تصحیح شود و از طرف دیگر نکات دستوری آنها استخراج گردد و به دستورها اضافه شود.

معین: نکته دیگری که وجود دارد این است که آگاهی از روش علمی و مسائل علمی جدید مطرح در دنیا ضروری است و ما موظف هستیم که از این مسائل مطلع شویم و مسائل زبان فارسی را با این روش‌های جدید منطبق کنیم؛ اما افراط در تعبیر دادن کار درستی نیست. امروزه بسیاری از زبان‌شناس‌ها، مسائل زبان‌شناسی غربی را به روی لهجه‌های زبان فارسی اجرا می‌کنند و در این زمینه مقاله می‌نویسند و در نهایت نتیجه می‌گیرند که فلان زبان‌شناس غربی که فلان قانون را وضع کرده است، چون خودش گویشور این زبان نبوده، نمی‌داندسته است که چه اشکالاتی ایجاد می‌شود؛ لذا ما نمی‌توانیم به تقلید بسنده کنیم و مسائل دستوری را دائماً تغییر دهیم. دستور پنج استاد هنوز هم کاربرد دارد و برای همین است که آقای دکتر شمیسا مطالب جدیدی بدان اضافه کردند و مجدداً آن را چاپ نمودند.

البته واضح است که مرحوم معین به نظریات روز بی‌توجه نبوده‌اند. با تسلطی که ایشان به زبان‌های مختلف اروپایی نظیر فرانسه و انگلیسی داشتند، کاملاً به این مسائل آگاه بوده‌اند و در مواردی نیز کارهایی بر روی مباحث دستوری روز انجام داده‌اند. البته همان‌گونه که مستحضر هستید کار ایشان در این زمینه جنبه تطبیقی داشته است. برای نمونه ایشان به بررسی مبحث اضافه در زبان‌های اروپایی نظیر فرانسه و انگلیسی و نیز زبان عربی پرداخته‌اند؛ لذا می‌خواهم بگویم با وجود اینکه ایشان به مسائل جدید زبان‌شناسی و نیز نظریات جدید زبان‌های مختلف اشراف داشته‌اند، هرگز از اقتضانات زبان فارسی نبریده و پیوسته بدان توجه داشته‌اند. تأکید ایشان عموماً بر روح زبان فارسی بوده است و به اقتضانات آن توجه می‌کرده‌اند و با تحمیل نظریه‌های



معین: مسأله دستور، مسأله‌ای بسیار مهم است که مرحوم دکتر معین کتاب‌هایی نیز در این زمینه تألیف و چاپ نمودند. مسائلی نظیر مفرد و جمع، معرفه و نکره، اضافه، اسم جنس، اسم مصدر و حاصل مصدر، از جمله مسائلی است که دکتر معین بدان پرداخته و مطالب زیادی در این زمینه نگاشته‌اند که امروز نیز این نوشته‌ها مورد استفاده است و ما در بسیاری از موارد وقتی به مشکلی بر می‌خوریم، نظر نهایی را از تألیفات ایشان به دست می‌آوریم.

در مورد مسائل دستوری باید بگویم که بسیاری از مشکلات مربوط به دستور تا به امروز حل نشده است. متأسفانه امروزه بسیاری از دستورنویسان، دستور را براساس مسائل زبان‌شناسی زبان‌های خارجی می‌نویسند، حال آنکه بسیاری از این مسائل، بر روی متون قدیمی فارسی قابل اجرا نیست، زیرا مواردی که در دستور قدیم مطرح بوده است، در دستور امروز مطرح نیست، امروزه دستورنویسان، مسائل دستوری را مرتباً تغییر می‌دهند و دانش‌آموزان و دانشجویان را با مشکل مواجه می‌کنند.

آیا از مرحوم معین، غیر از آثار دستوری که چاپ کرده‌اند، یادداشت دیگری در این زمینه در دست است؟

معین: خیر، یادداشتی در این زمینه موجود نیست. ایشان وقتی کار فرهنگ فارسی را آغاز کردند، تمام وقتشان را به این موضوع اختصاص دادند.



مرحوم معین کار برهان قاطع را پیش از لغتنامه آغاز کرده بود، لذا بهترین سند برای رد ادعای این افراد، چاپ اول برهان قاطع است که اگرچه چاپ آن مربوط به سال‌های بعد از ۱۳۲۴ است، آغاز کار ایشان در زمینه برهان قاطع به پیش از این سال‌ها باز می‌گردد. به نظر می‌آید بزرگ‌ترین خدمتی که مرحوم معین انجام داده‌اند، غیر از تدوین فرهنگ فارسی، روشن نگه‌داشتن چراغ لغتنامه بعد از فوت مرحوم دهخدا است و مرحوم معین بنا به وصیتنامه مرحوم دهخدا شایسته‌ترین سرپرست برای این مجموعه بوده است. می‌خواهم بدانم ایشان در ادامه کار لغتنامه با چه مشکلاتی مواجه بوده‌اند؟

معین: در زمان ریاست ایشان، دوبار بودجه لغتنامه حذف گردید. یک بار در زمان وزارت «درخشش» و بار دیگر در زمان وزارت شخص بسیار مشهور و فاضلی که از ایشان نام نمی‌برم. در این زمان دکتر معین به نخست‌وزیر نامه‌ای نوشت و در این نامه یادآور شد که این کار (قطع بودجه لغتنامه) لعنت ابدی در پی خواهد داشت که در نهایت بودجه را مجدداً برقرار کردند. اگر نکته و یا خاطره‌ای از این دوران یعنی دوره‌ای که مرحوم معین متصدی سازمان لغتنامه بودند، به خاطر دارید، برای خوانندگان بیان نمایید.

معین: نکته‌ای که لازم می‌دانم خدمت خوانندگان عرض نمایم احترام فوق‌العاده‌ای است که مرحوم پدرم برای علامه دهخدا قائل

جدید زبان‌شناسی به زبان فارسی موافق نبوده‌اند. واقعیت هم این است که قیچی کردن یک زبان برای اینکه به اندازه یک نظریه زبان‌شناختی شود، کار درستی نیست و این نظریه است که باید با زبان منطبق شود، نه زبان با نظریه. نظر شما در این باره چیست؟

روشن: من مدت‌ها شاگرد دکتر معین بودم. در آن زمان در کلاس‌های درس مسائل گوناگونی از قبیل متون فارسی و قرائت فارسی و دستور تدریس می‌شد؛ اما کلاس‌های مرحوم معین قابل تفکیک نبود، به این معنی که کلاس دستور ایشان، متصل به کلاس متن بود و من شاهد بودم که دکتر معین همه مسائل را اعم از قدیم و جدید در کلاس‌های خود مطرح می‌کردند. امسال چهاردهمین سالی است که «مجله زبان‌شناسی» منتشر می‌شود و من مقاله‌های فراوانی می‌توانم خدمت شما ارائه دهم که عناوین آنها جذاب و قابل فهم است اما متن به هیچ‌وجه قابل فهم نیست. امروزه هر کسی که در رشته زبان‌شناسی، مدرک فوق‌لیسانس دریافت می‌کند، به خود اجازه می‌دهد به مقوله‌های زبانی بپردازد، اما واقعیت این است که هم‌اکنون زبان‌شناسانی نظیر مشکوة‌الدینی و سهیلی که هم زبان‌شناسند و هم زبان فارسی را به خوبی می‌شناسند و می‌فهمند، کم هستند.

در مواردی زبان‌شناسان ما تصمیم می‌گیرند که براساس نظریه‌های زبان‌شناسی، دستور جدید تألیف کنند؛ اما وقتی می‌خواهند فلان نظریه زبان‌شناسی را بر روی زبان فارسی پیاده کنند، آنقدر استتفا پیدا می‌شود که معمولاً بر خود قاعده و قانون غلبه می‌کند؛ لذا به عقیده من این مشکلی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

خانم دکتر معین و مسأله دیگری که لازم می‌دانم مطرح نمایم مشکلاتی است که مرحوم معین در تدوین فرهنگ معین با آن مواجه بودند. همان‌گونه که مستحضر هستید در همان زمانی که ایشان فرهنگ فارسی را تدوین می‌کردند اتهاماتی نظیر اینکه چون ایشان با علامه دهخدا محشور بودند، مبنای کارشان براساس یادداشت‌های مرحوم دهخدا بوده است، متوجه ایشان گردید. به عقیده شما این مسائل از کجا نشأت می‌گرفت؟

معین: درست است که در آن زمان عده‌ای به جفا چنین اتهامی را به پدرم وارد کردند؛ اما همان‌گونه که مطلع هستید



بودند و در مورد ایشان با احترام خاصی صحبت می‌کردند. البته پدرم با علامه قزوینی و استاد پورداود نیز رابطه نزدیکی داشتند و به طور کلی احترام فوق‌العاده‌ای برای این سه تن قائل بودند. روشن: البته مرحوم معین با مرحوم دکتر خطیبی نیز رابطه دوستی بسیار نزدیکی داشتند.

معین: بله همین طور است. دکتر خطیبی، دکتر صفا و دکتر مینوچهر جزء سه نفر اولی بودند که برای اخذ مدرک دکتري وارد دانشگاه شدند. نفر چهارمی هم که به آنها ملحق شد دکتر معین بود. اما دکتر معین زودتر از سه نفر دیگر موفق به اخذ مدرک دکتري گردید و در حقیقت ایشان نخستین کسی بودند که دکترای زبان فارسی را دریافت کردند.

خانم دکتر معین، اگر ممکن است اندکی هم درباره وضعیت بیماری دکتر معین برای ما صحبت نمایید.

معین: دکتر معین در سال ۱۳۴۵، در دانشگاه سرشان گیج می‌رود و بیهوش می‌شوند. پزشک تشخیص می‌دهد که ایشان دچار عارضه مغزی شده‌اند. شش روز در بیمارستان آریا بستری می‌شوند و در آنجا حالشان خوب بود به گونه‌ای که دکتر فرهوشی می‌گفتند که با ایشان حرف زده و بحث لغوی می‌کرده‌اند. بعد پزشکان تشخیص می‌دهند که ایشان باید آنژیوگرافی شوند. برای آنژیوگرافی به ایشان بیهوشی کامل می‌دهند و بعد از آن پدر دیگر به هوش نمی‌آیند. بعد از آن دو پزشک را از انگلیس آوردند. آنها گفتند که نباید بیهوشی کامل می‌دادند. وقتی که پدر را آنژیوگرافی کردند، خونریزی مغزی شروع شد و ایشان به حالت اغما فرورفتند. ۹ ماه بعد ایشان را به کانادا بردند. در کانادا هم سه عمل بر روی ایشان صورت گرفت. جراح ایشان معتقد بود که مشکل ایشان خونریزی مغزی نبوده است و نیازی نبوده آنژیوگرافی بر روی ایشان صورت گیرد. همچنین در آنجا گفتند که با وجود اینکه ایشان ۴۸ سال بیشتر نداشته‌اند، مغزشان به اندازه مغز فردی ۹۰ ساله کار کرده است. در دوران بیماری پدرم، مادر بسیار مراقب ایشان بودند. پدر پنج سال در حالت اغما بود و هیچ هوشیاری نداشتند. فقط گاهی به صدای در عکس‌العمل نشان می‌دادند و با نگاه خویش ما را دنبال می‌کردند. همچنین با دیدن چند نفر به گریه می‌افتادند که یکی از آنها استاد پورداود بود.

در دوره‌ای که ایشان در بیمارستان بستری بودند هزینه‌های

#### بیمارستان را چه کسی تقبل می‌کرد؟

معین: در آن دوره روزنامه‌ها می‌نوشتند که هزینه بیمارستان را دانشگاه تهران می‌پردازد، در حالی که این گونه نبود. ما از طریق کمک‌های مالی عمومی، آقای مهندس علی معین و همچنین حقوق پدر، هزینه بیمارستان را تأمین می‌کردیم. در آن زمان در شورای دانشگاه تهران مطرح شده بود که هزینه بیمارستان را دانشگاه تهران بپردازد، اما یکی از استادان گفته بودند که برادر دکتر معین ثروتمند هستند و اگر این کار را بکنیم ناراحت می‌شوند.

اگر ممکن است در مورد خانواده خود نیز مطالب مختصری

بیان نمایید.

معین: ما چهار فرزند هستیم. دو دختر و دو پسر. بزرگ‌تر از همه من هستم که ادبیات فارسی خوانده‌ام. برادرم، همایون، ریاضیات محض خوانده است. برادر دیگرم، پیروز، مهندس راه و ساختمان است و خواهرم پریچهر فیزیک و ریاضی و ادبیات فارسی خوانده است. مادرم نیز فرزند استاد محمدعلی امیرجاهد از بزرگان موسیقی هستند. ایشان بنیانگذار یک سلسله انتشارات از



به منزل شما رفت و آمد داشته‌اند. اگر در مورد این دو شخصیت بزرگوار و نیز ارتباط آنها با مرحوم معین نکته خاصی به نظر تان می‌رسد بفرمایید.

**معین:** در مورد علامه دهخدا فقط این را به خاطر دارم که در کودکی روزی به همراه پدرم به منزل ایشان رفتیم، اما با مرحوم دکتر شهیدی رفت و آمد خانوادگی داشتیم. آقای دکتر شهیدی از نادر کسانی بودند که علاوه بر دانش از شخصیت اخلاقی بی‌نظیری برخوردار بودند.

در همه جای دنیا رسم است که وقتی شخصیتی علمی از دنیا می‌رود، منزل شخصی او را به همان شکل نگه می‌دارند. آیا منزل پدری شما به همان صورت باقی مانده است؟

**معین:** خیر، متأسفانه بعد از اینکه این منزل در اختیار شهرداری قرار گرفت، تغییرات زیادی در آن روی داد. تغییراتی در داخل و بیرون منزل ایجاد کردند که اگرچه به زیبایی مکان افزوده است، اما حالت اولیه آن را از بین برده است. منزل دکتر معین و امیرجاهد در کنار یکدیگر بود. ما انتظار داشتیم که این منزل به موزه استاد معین تبدیل شود و به عنوان یک مرکز فرهنگی، مورد استفاده قرار گیرد. نظیر همان کاری که با منزل استاد شهریار کرده‌اند. البته مادرم همه وسایل شخصی ایشان از قلم خودنویس و عینک و ساعت و دستکش گرفته تا موی سر و کارت عروسی همه را نگه داشته‌اند و این جای خرسندی است.

**دلیل اینکه کتابخانه مرحوم معین را به دانشگاه گیلان انتقال دادید، چه بود؟**

**معین:** پدر خودشان فرموده بودند این کار انجام شود. این کتابخانه هم‌اکنون به نام دکتر معین است و دانشجویان دوره فوق لیسانس، دکتری و نیز استادان از آن استفاده می‌نمایند.

**آرامگاه ایشان هم‌اکنون در چه وضعیتی است؟**

**معین:** از وضعیت مناسبی برخوردار است. دانشگاه گیلان این آرامگاه را ساخته است و شهرداری هم از آن مراقبت می‌کند. نخستین بار هم عمویم بنایی را بر سر مزار ایشان ساخت که بسیار شبیه آرامگاه حافظ بوده، اما متأسفانه بر اثر برف و باران از بین رفت و این بنا را دانشگاه گیلان ساخته است.

از اینکه در این گفت‌وگو شرکت کردید از شما سپاسگزارم.

جمله سالنامه پارس هستند. سالنامه پارس نشریه‌ای علمی بوده که بین سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۳۳ چاپ می‌شده است.

جالب اینکه در بعضی سال‌ها تیراژ این سالنامه به ۳۰ هزار نسخه می‌رسیده، در حالی که جمعیت باسواد کشور بسیار کم بوده است. همان‌طور که عرض کردم سالنامه پارس نشریه‌ای مشهور و در بردارنده تقویم، اخبار و مقالات علمی بوده است. مرحوم معین نیز با این سالنامه همکاری می‌کرده‌اند. پدر از همین طریق با مادر آشنا شدند. مادر نیز در خانواده‌ای فرهنگی متولد شده بود و سطح معلومات ایشان بسیار بالا بود.

**اگر ممکن است اندکی نیز در مورد خانواده پدری خود صحبت کنید.**

**معین:** پدر دکتر معین «شیخ ابوالقاسم»، طلبه و رئیس دادگستری رودبار بوده است که در جوانی بر اثر بیماری حصبه سه روز پس از همسر از دنیا می‌روند، همسر ایشان نیز بر اثر همین بیماری فوت کرده بودند. پدر بزرگ پدرم مرحوم شیخ محمدتقی معین‌العلماء روحانی بوده‌اند. ایشان علاقه زیادی به مطالعه داشته‌اند. بعد از فوت پدر و مادر مرحوم معین، مرحوم معین‌العلماء، سرپرستی ایشان و برادرشان را به عهده می‌گیرند. از همان دوران کودکی، آثار نبوغ در پدرم آشکار بوده است. در مشاعره‌هایی که پدر بزرگ ترتیب می‌دادند، همیشه پدر برنده می‌شدند. پدرم یک سال به مکتب می‌رود. در آن زمان دکتر صدیق اعلم که رئیس معارف رشت بوده است، دستور می‌دهد مدارس جدید تأسیس شود. معین‌العلماء نیز از مردم می‌خواهد کمک کنند و مکتب‌خانه را به مدرسه تبدیل نمایند، لذا پدر سال بعد به مدرسه می‌روند و ایشان را در کلاس سوم ابتدایی می‌نشانند. پدر علوم قدیمه و عربی را نزد «معین‌العلماء» و «سیدمحمد رشتی» می‌خوانند. همچنین پدر بعدها از طریق مکاتبه با بروکسل بلژیک روان‌شناسی عملی، قیافه‌شناسی و خط‌شناسی می‌آموزند و در رشته ادبیات فارسی، فلسفه و علوم تربیتی نیز مدرک لیسانس دریافت می‌کنند. اولین کتابی هم که چاپ می‌کنند کتاب «روان‌شناسی تربیتی» بوده است که از عربی ترجمه کرده‌اند.

**خانم دکتر معین، بی‌گمان در آن زمان بسیاری از بزرگان اهل علم و اهل ادب از جمله مرحوم دهخدا و مرحوم شهیدی**